

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "صلوات اس اساس امر الہی است و سبب روح و حیات قلوب  
رحمانی".  
گلزار تعالیم بهایی ص ۳۰۳

## صلوات معراج ارواح

### قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- نصوص مبارکہ حضرت بهاء اللہ
- ۳- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
- ۴- نصوص مبارکہ حضرت عبدالبهاء ( ۱ )
- ۵- نصوص مبارکہ حضرت عبدالبهاء ( ۲ )

### قسمت اداری

- ۶- - توفیعات حضرت ولی امر اللہ
- ۷- قسمتی از نطق جناب نخجوانی
- ۸- تَرَى الْعَرِيبَ سُرْعًا إِلَى وَطَنِهِ الْأَعْلَى

### قسمت اجتماعی

- ۹- برنامه نوگلان بوستان الہی
- ۱۰- الفت و پذیرایی
- ۱۱- مناجات خاتمه

## ۱- مناجات شروع

الهی الهی به چه لسان و به چه استعداد می توانیم تدارک عمل های ناکرده را نماییم ، پا در گل غفلت فرو رفته، و ید را اوهام و آمال از اخذ کتاب باز داشته ، مقام اعراض اقبال فرموده اند ، و به عنایت خفیه ستر نموده اند ، غیر او که را داریم تا از او مسئلت نماییم آن چه را که سبب تدارک مافات عَنَّا گردد ، ولكن نظر به انحصار مبتلا و به حدود محدود کجا لایق مشاهده و یا قابل عمل است ، و چون سبیلی جز سبیلش نه و راهی جز راهش نه با حمل کبائر و صغائر به او راجعیم چه که غیر او نداریم و نشنیدیم و ندیدیم ، پس باید دست توسل به ذیل اطهرش بلند نماییم و به حبل رحمتش تمسک جوئیم ، اوست قادر یکتا و عالم یکتا و کریم یکتا . به صد هزار لسان مسئلت می نماییم که کل را موید فرماید بر عمل به آن چه تعلیم داده و اخبار فرموده . ای پروردگار ما به مثابه اطفالیم تربیت لازم داریم ، از دریای کرمت مسئلت می نماییم که ما را به ایادی اراده ات تربیت نمایی و به مقام بلوغ که انقطاع از غیر و توجه به فنا باب تو است مزین و فائز فرمایی . قَدَّرَ لَنَا فِي كُلِّ الْحَوَالِ مَا يَقْرُبُنَا إِلَيْكَ وَيَطْهَرُنَا عَنْ دُونَكَ ، انكَ أَنْتَ الْفَضَّلُ الْكَرِيمُ وَ تَمْنَعُنَا عَمَّا لَا يَلِيْقُ لِعَظَمَتِكَ وَ سُلْطَانِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ اِقْتِدَارِكَ ، لا اله الا عَمَّا لَا يَلِيْقُ لِعَظَمَتِكَ وَ سُلْطَانِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ اِقْتِدَارِكَ ، لا اله الا انت الفرد الواحد القوی القدير.

ادعیه مبارکه ج ۳ ص ۱۴۳

## ۱۱- مناجات خاتمه

بگو ای آقای من و مولای من و اله من و پدید آورنده من سوال می کنم از دریای بخشش تو که این نهال نو رسته در بوستان محبت خود را از کوثر حیوان بنوشان و از اریاح خریف حفظش نما . تویی توانا و تویی دانا. ای خدای من ، به تو رو آوردم و تو را ذکر می نمایم و به مبارکی سمت از دونت فارغ و آزادم. ای خدا، به تو ناظریم و از تو می طلبیم، ظاهر کن از ما آن چه را که سزاوار تو و ایام تو است . تویی عطا کننده و بخشنده.

ادعیه حضرت محبوب ص ۳۳۰

۲- نصوص مبارکه حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس می فرمایند:

" قد فُرضَ علیکم الصلوه و الصوم من اول البلوغ امرأً من لدی الله ربکم و رب آبا ئکم الاولین . من کان فی نفسه ضعف من المرض او الهرم عفاالله عنه فضلاً من عنده انه لهو الغفور الکریم . " ۱

در لوحی می فرمایند :

" به راستی می گویم از برای صوم و صلوه عندالله مقامیست عظیم. " ۲

و هم چنین می فرمایند:

" صوم و صلوه ما بین اعمال به مثابه شمس و قمر است در آسمان اوامر و احکام الهی ، خودهما بقدره من عنده. " ۳

مأخذ :

۲۱- گلزار تعالیم الهی ص ۳۳۰

۳ - آیات الرحمن ص ۳۵۳

### ۳- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

" ای عزیز روحانی ، از حکمت نماز سوال نموده بودی بدان که نماز فرض است و واجب و به هیچ عذری انسان معاف از صلوات نشود مگر عاجز باشد یا خود محذور کلی واقع گردد و حکمتش اینست که نماز عبارت از ارتباط بین عبد و حق است زیرا انسان در آن ساعت به دل و جان توجه به حضرت یزدان کند و به حق موانست جوید و محبت و الفت نماید . عاشق را لذتی اعظم از مکالمه با معشوق نیست و طالب را نعمتی بهتر از موانست با مطلوب نه اینست هر نفس منجذب به ملکوت الهی نهایت آرزویش که وقتی فراغت یابد و به محبوب خویش تضرع و زاری کند طلب الطاف و عنایت نماید و مستغرق در بحر خطاب و تضرع و زاری گردد و از این گذشته صلوات و صیام سبب تذکر و تنبه انسانست و حفظ و صیانت از امتحان . "

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۲ ص ۹۹

### ۴- نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء ( ۱ )

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" ای بنده الهی فیض نا متناهی در هر صبحگاهی گواهی بر تضرع و ابتهاج عبدالبهاء می نماید لهذا باید هر نفس آگاهی کما هی ، بهره از این فیض روحانی یابد و آن اینست که در بامداد به نماز و نیاز پردازد و متضرع الی الله گردد و فریضه صلات را مجری دارد تا مشام به رایحه طیبه ریاض عنایت متلذذ شود و روح حیات جدید یابد و حقیقت انسان مرات تجلیات حضرت رحمن گردد . " ۱

نیز می فرمایند :

" ... در نماز و نیاز صبحگاه بکوش تا انتباه روز به روز بیشتر گردد و به قوه معرفت الله پرده اشتباه اهل شبهات را بدری و آن نفوس را به هدایت کبری مهتدی فرمایی چون شمع در هر جمع نور عرفان مبذول داری . " ۲

مآخذ

۱- منتخباتی از مکاتیب عبدالبهاء ج ۲ ص ۹۹

۲- پیام آسمانی ج ۱ ص ۱۴۳

۵- نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء ( ۲ )

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

"صلوات اس اساس امر الهی است و سبب روح و حیات قلوب رحمانی . اگر جمیع احزان احاطه نماید چون به مناجات در صلوات مشغول گردیم کل غموم زائل و روح و ریحان حاصل گردد حالتی دست دهد که وصف نتوانم و تعبیر ندانم و چون در کمال تنبه و خضوع و خشوع در نماز بین یدی الله قیام نماییم و مناجات صلوات را به کمال رقت تلاوت نماییم حلاوتی در مذاق حاصل گردد که جمیع وجود حیات ابدیه حاصل کنند . و البهء علی اهل البهء الذین یجرون احکام الله و یعبدون ربهم بالغدو و الاصل . " ۱

و نیز می فرمایند قوله الاحلی

" نماز سبب خضوع و خشوع و توجه و تبتل الی الله است . انسان در صلوات با خدا مناجات کند و تقرب جوید و با معشوق حقیقی خویش گفتگو نماید . به واسطه صلوات مقامات روحانی حاصل گردد . " ۲

و همچنین :

در لوحی حضرت عبدالبهاء درباره سه نمازی که در بین احبا معمول است می فرمایند : " انّ فی کلّ کلمه و حرکه من الصلوه لا اشارات و حکمه و اسرار تعجز البشر عن ادراکها و لا تسع المکاتیب و الاوراق . " ۳

" بدانید که در هر یک از کلمات و حرکات نماز های واجب اشارات و کنایات و حکمت هایی است که انسان از درک آن عاجز است و شرح آن در الواح و اوراق نمی گنجد " ۴

ماخذ :

۱- گلزار تعالیم بهایی ص ۳۰۳

۲- کتاب اقدس ص ۱۰۶

۳- کتاب اقدس ص ۱۰۷

۴- انوار هدایت ص ۵۸۱

## ۷- قسمتی از نطق جناب نخجوانی

حضرت ولی امرالله بیانی به انگلیسی دارند که ترجمه آن این است "ایمان تنها صرف اعتقاد نیست بلکه راه و روشی است که روزانه احتیاج به تقویت دارد و مستمراً روحانیتش باید تجدید گردد و با تامل و تعمق در آثار مبارکه توأم باشد."

این کلمه عبودیت را که شما ملاحظه می فرمایید با کلمه عبادت یک ریشه دارند. این دو کلمه از یک ریشه عِبَد مشتقند. از کلمه عِبَدَ یا عَبَدَ ما از یک طرف معنی عبادت را گرفته ایم و از طرف دیگر عبودیت را. مَثَلِ اعلائی ما حضرت عبدالبهاء که اسم خود را عبدالبهاء گذاشته اند، ملاحظه فرمایید راجع به خودشان چه می فرمایند "عبودیت این فانی، عبودیت حقیقی واقعی سرمدی ابدی ذاتی کینونتی است، نه عبودیت تعبیری تاویلی تفسیری تلویحی. من عبدالبهاء هستم و تاج سر من عبودیت بهاءالله است و خدمت به احبای او." ملاحظه بفرمایید حضرت عبدالبهاء این میزان را برای ما معین فرموده اند و شک نیست که چه در عبودیت و چه در عبادت اصل نیت است. ما باید همواره از خود سوال کنیم (و هیچ کس غیر از ما حق این سوال را از ما ندارد) که آیا نیت من در انجام دادن این کار واقعاً خالص است؟ آیا عملم لله است و یا خدای نکرده، خدای نکرده آلوده به امیال نفسانی و اغراض شخصی است؟ ملاحظه فرمایید حضرت اعلی راجع به عبادت در کتاب مستطاب بیان می فرمایند: "عبادت کن خدا را به شانی که اگر جزای عبادت ترا در نار بَرَد تغییری در پرستش تو او را به هم نرسد و اگر در جنت بَرَد به همچنین" میفرمایند باید طوری عبادت کنی که اگر جزای عبادت تو چه آتش باشد چه جنت، در تو تاثیری نداشته باشد و نلرزی و عبادت خود را ادامه دهی.

مستخرجاتی از نطق جناب نخجوانی در ارض اقدس صص ۳-۵

۶- توقیعات حضرت ولی امرالله

\*نماز تکلیف شرعی یاران

" نماز تکلیف شرعی یاران است و از ارکان شریعت الله محسوب و تاثیرش از ادعیه و مناجات های نازل شدیدتر و چون فرض و واجب است مومنین و مومنات را در هر یومی از ایام به ذکر حق متذکر و مشغول گرداند و از غفلت محفوظ و مصون نماید . " ۱

\*تلاوت نماز وظیفه روحانی احبا است

" در ارتباط با نمازهای سه گانه یومیه نماز گزاران بهایی مختارند که هر کدام را می خواهند انتخاب کنند . نماز صغیر فقط یک آیه است که باید هر روز یک بار در هنگام ظهر تلاوت شود . نماز وسطی باید سه بار در روز خوانده شود : صبح ، ظهر و شب . اعمال عبادی خاصی نظیر زانو زدن ، بلند کردن دست ها و غیره وجود دارد . نماز کبیر نیز که واجد مقررات خاصی است باید هر ۲۴ ساعت یک بار خوانده شود . انتخاب یکی از این سه نماز وظیفه روحانی تمام افراد احباء است زیرا حضرت عبدالبهاء در آثار خود می فرمایند : نماز و روزه ارکان توامی هستند که قانون الهی را نگاه می دارند . اما راجع به تکرار اسم اعظم به تعداد ۹۵ مرتبه این موضوع نیز توسط حضرت بهاءالله مذکور افتاده است ولی ایشان درباره استفاده از تسبیح در هنگام عمل به این نمازها هیچ دستوری صادر نفرموده اند . " ۲

\*انجام احکام نماز و روزه برای انسان سودمند است

" غالباً اشکالی که در انجام بعضی امور داریم به واسطه آن است که این امور نوعاً با آن چه که ما با آن خو گرفته ایم فرق می کند والا هیچ کار فی نفسه صعوبت و دشواری خاصی ندارد . برای شما و بسیاری از احبا که امروز به عنوان اشخاص بالغ این امر اعظم را پذیرفته اند درک و انجام بسیاری از احکام نظیر نماز و روزه ممکن است در وهله اول مشکل باشد ولی ما همیشه باید به خاطر بسپاریم که این دستورات برای تمامی نوع بشر در طی هزار سال آینده وضع شده است . باری اطفال بهایی که از ابتدا در خانه با این امور آشنایی و انس پیدا می کنند انجام

این فرائض نیز چون رفتن به کلیسا برای مسیحیان معتقد امری کاملاً عادی و ضروری خواهد بود . اگر این دستورات برای ما سودمند نبود حضرت بهاءالله چنین نمی فرمودند و ما همه چون طفلان زیرک و فهیم که به مراتب تدبیر و درایت پدر معتقدند و ایمان دارند و نمی دانند که او جز در طریق صلاح آنان گام بر نمی دارد باید انجام این دستورات را بپذیریم حتی اگر در بدو امر ضرورت آن را تشخیص ندهیم وقتی به این دستور عمل کردیم کم کم نتایج حاصل از آن را در وجود خویش ملاحظه خواهیم کرد . "

۱- گلزار تعالیم بهایی ص ۳۰۴

۲- انوار هدایت ص ۵۸۲

۳- نمونه حیات بهایی ص ۳۸-۳۹

۸- تَرَى الْغَرِيبَ سَرَعًا إِلَىٰ وَطَنِهِ الْأَعْلَىٰ

فرض کنید وسط کشور برزیل هستید که همه به زبان پرتغالی صحبت می کنند . از خیابانی به خیابان دیگر و از دهکده ای به دهکده دیگر از شهری به شهری می روید و احدی را پیدا نمی کنید که انگلیسی صحبت کند ... یک روز کسی را پیدا می کنید که به زبان شما صحبت کند . در دلتان چه احساسی دارید ؟ احساس آرامش می کنید . زبان او را می فهمید . می توانید تکلم کنید . احساس دیگری می کنید . حال ، این روح که در این هیكل بشری غریب است به عنوان یک غریبه به عالمی بالاتر تعلق دارد . بنا بر این وقتی انبیا الهی از قلم خود آیاتی را نازل می کنند با زبان روح صحبت می کنند و به این دلیل وقتی آن ها را می خوانید روح به شور و شوق می آید به حرارت می آید رها می شود و آمادگی بیشتری برای خدمت می یابد . سایر خدمات این تاثیر را ندارند . آیا به خاطر دارید که در اولین قسمت صلوه کبیر ما دست ها را به حالت قنوت بالا می بریم و می گوئیم " یا الهی



تَرَى الْغَرِيبَ سَرَعًا إِلَىٰ وَطَنِهِ الْأَعْلَىٰ "؟ این به روح ما مربوط می شود در این جا این غریبه همیشه در این ترکیب عنصری بال بال می زند تا به عالم بالا و متعالی خود و حضور خداوند برسد. در ادبیات فارسی کتابی وجود دارد که معادل آن در ادبیات هیچ زبان دیگری هرگز یافت نمی شود. حتی در زبان فارسی نیز این کتاب بی نظیر است. این کتاب حتی در میان مسلمانان بعد از قرآن جایگاه دوم را دارد. این کتاب با این بیت شروع می شود: " بشنو از نی چون حکایت می کند از جدایی ها شکایت می کند. " زیرا داستان هایی را از زمانی که به نیستانی تعلق داشته حکایت می کند. او را از نیستان جدا کرده اند و در این جا تنها، متروک و غریبه است. این بیت در بدایت این کتاب توصیف وضعیت روح است. روح به عالم دیگری تعلق دارد. حال می گوید که به این جا آمده و هیچکس نیست که با او هم کلام شود. حال چون به شکل نی است باید دو مرحله و جریان را طی کند تا به کمال برسد. ما باید این دو جریان را بگذرانیم. اول جریان تطهیر است، ما نی را از سواحل رودخانه می بریم و به خانه می آوریم. مغز گیاه درون آن را پر کرده است. در آن می دمید و هیچ طینینی به گوش نمی رسد. بنابر این باید میله ای آهنین بردارید و چندین مرتبه به درون نی برانید تا تمام مواد اضافه و غیر ضروری از درون آن خارج شود این جریان تطهیر است. نی پاک و طاهر می شود. بعد نوبت فرایند رنج کشیدن می رسد. همان میله آهنی را درون آتش می گذارید. وقتی داغ و سرخ شد آن را در چند نقطه روی نی قرار می دهید. بعد هر آن چه که از نی مزبور می شنوید از نی نیست بلکه از دهان نوازنده است که خارج می شود. اگر ما این دو جریان را در امر الهی طی کنیم، یعنی تطهیر و رنج کشیدن را بگذرانیم در این صورت فم و لسان ما همان نی خواهد بود که حضرت بهاءالله می نوازند. اگر اراده خود را در اراده او فانی سازیم اگر خود را برای تحقق خواسته های ایشان در این عالم عنصری مهیا نماییم، باور کنید آنقدر به حضرت ولی محبوب امرالله نزدیک خواهید شد، که اغلب دست آن حضرت را احساس خواهید کرد که شما را به پیش می راند و صدای ایشان، آوای شیرین و ملیح ایشان را خواهید شنید که به شما می گوید نگران نباشید، پیش بروید، به سوی هدف خود پیش بروید و شما همیشه موفق خواهید بود. حضرت ولی امرالله فرمودند که تا به حال اهل عالم اجازه نداشتند خداوند را بیازمایند، اما اکنون مجازند. بگذارید بیازمایند و ببینند که حضرت بهاءالله آن ها را تا واپسین ایام حیات تا حصول اهدافشان هدایت و تایید خواهند کرد. این معنای ادعیه نازله از قلم آن ها و وحی و الهام صادره از ذات الهی است.

سخنرانی جناب فیضی نقل از کتاب فاتح دل ها